معین احمدیان
دبیر گروه فرهنگ

روز جمعه هشتم آذرماه حوالی ساعت ۱۴، خودروی دانشمند برجسته، محسن فخری‌زاده به‌همراه دو خودرو محافظ وارد آبسرد دماوند می‌شود و یک کیلومتر جلوتر از ورودی، نزدیک باغی معروف به باغ سرهنگ، خودرو با رگبار متوقف می‌شود و پس از آن یک نیسان که در آن، پر از الوارهای چوبی بوده است منفجر می‌شود. با وقوع انفجار، تروریست‌هایی که کمین کرده بودند، از نقاط نامشخصی شروع به تیراندازی به‌سمت خودروی این دانشمند هسته‌ای می‌کنند. تروریست‌ها متواری می‌شوند و پیکر این دانشمند به داخل درمانگاه شهر آبسرد منتقل می‌شود و بعد از گذشت ۳۰ دقیقه با بالگرد به بیمارستانی در تهران انتقال داده می‌شود و در نهایت این دانشمند به شهادت می‌رسد. همه این اتفاقات در فاصله کمتر از ۲ ساعت، در کنار گوش پایتخت رخ می‌دهد و همچنان هیچ تصویر و متنی در رسانه ملی منتشر نشده است. برخی خبرگزاری‌ها و سایت‌ها، تک خبری منتشر کردند و خبرهای ضدونقیض در شبکه اجتماعی بازنشر می‌شوند. شبکه‌های ماهواره‌ای در حال رصد، انتشار و طراحی خبرهایی هستند که از داخل ایران منتشر می‌شود. اما همچنان شبکه خبر به قدر یک زیرنویس هم منتشر نکرده است. زمان می‌گذرد و همچنان مخاطبان رسانه ملی چشم به «شبکه خبر» دوخته‌اند. شبکه‌ای که به گفته مدیرانش با پوشش بهینه‌تر خبرها در ایام کرونا و افزایش پخش زنده خبری در ماه‌های اخیر توانسته به دومین شبکه پربیننده صداوسیما بدل شود. اما در بزنگاه عصر جمعه هشتم آذرماه، این شبکه در بوته آزمون دیگری قرار گرفته است. آزمونی که در آن نتوانست سربلند بیرون بیاید. ظاهر امر این است که بخش‌های مختلف خبری در رسانه ملی دست به سینه، به انتظار تایید نهادهای برون‌سازمانی نشسته بودند. اما تایید و نهایی شدن خبر از سوی منابع رسمی، واجد ملاحظات خاصی است که فرآیند انتشار خبر را زمان‌بر می‌کند. روز گذشته غلامرضا بوالی، مدیر شبکه خبر اشاره کوتاهی به حواشی انتشار خبر ترور شهید محسن فخری‌زاده داشت و ضمن گلایه نسبت به اعمال نظر برخی نهادهای بیرون از سازمان، خطاب به علی عسگری، رئیس رسانه ملی گفت: «امیدواریم با تلاش بیشتر همکاران، ارتقای محتوا و سرعت بخشی در اطلاع‌رسانی بتوانیم وظایف‌مان را بهتر انجام دهیم. البته این نکته را هم بگویم که این کار نیازمند همکاری برخی از نهادهای تصمیم‌گیری در بیرون از سازمان است که خود شما هم شاهد بودید که روز جمعه چه مشکلاتی را برایمان ایجاد کردند.»

در مقاطعی که شبکه خبر ورود بهنگام و دقیق در انتشار و انعکاس اخبار داشته، توانسته است که نبض افکار عمومی را به‌دست بگیرد و خود شِ را به‌عنوان مرجع رسمی اخبار در فضای رسانه‌ای کشور، قرار دهد. انعکاس خبر حوادث تروریستی داعش به ساختمان مجلس شورای اسلامی، انتشار لحظه به لحظه آتش‌سوزی و ویرانی ساختمان پلاسکوی تهران، خبر درگذشت مرحوم هاشمی‌فسنجانی از نمونه‌هایی این موارد هستند. بااین وجود شنیده می‌شود که در برخی از موارد هم با سلایق و نظراتی که از بیرون سازمان اعمال می‌شود، روندهای تازه در پرداخت و پوشش رسانه‌ای دچار اختلال شده است؛ مثلا پخش زنده سخنرانی اوباما، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در یک امضای برجام، یکی از همین موارد بود که البته می‌توانست با پخش زنده مناظره‌های انتخاباتی آمریکا امر ناگواری را به‌وجود آورد. البته به خاطر همان اعمال نظرهای بیرونی، این شکل پرداخت رسانه‌ای ادامه نداشت.

با تمام این تفاسیر، وقتی شیوه اجرا و پرداخت رسانه‌ای رویداد اخیر را ضد می‌کنیم متوجه می‌شویم موانعی که پیش‌روی مدیران خبری صداوسیما برای انعکاس خبر وجود دارد، بیشتر توجیه کوکاری هاست. اینکه یک تیم خبری قوی، حضور میدانی و فعالی در محل رخداد ندارد و به تصاویر و اظهارنظرهای شبکه اجتماعی اکتفا می‌شود، از نقاط ضعف طراحی و تولید خبرهای مربوط به ترور جمعه هشتم آذرماه است. یادآور می‌شویم که یکی از همین شبکه‌های ماهواره‌ای خارج‌نشین، به فاصله زمانی کوتاهی از زمان وقوع حادثه، تصاویری از محل حادثه پخش کرد. به هر حال شبکه خبر از قافله عقب ماند اما وقتی به فاصله یک روز بعد از وقوع این رخداد، خبرنگاری به محل وقوع حادثه رفت و بود، توانست روایت درست و دراماتیکی از این رویداد مهم امنیتی ارائه دهد و به یک قالب تکراری برای گزارش این واقعه عجیب و مهم بسنده نشده بود.

اگرچه بیشتر ایراداتی که متوجه چنین سیستمی برای انعکاس خبری می‌شود، ناشی از ضعف در تربیت نیروهای متخصص و فعال خبری است اما این نکته را هم نباید فراموش کرد که سیستم خبری رسانه ملی، نتوانسته برای جبران نبود نیروی چابک خبری، عنصری به ظرفیت شبکه‌های اجتماعی و خبرنگاران موبایلی توجه کند. متاسفانه آنچه که شاهدیم گویای این است که مدیران بخش‌های خبری رسانه ملی، همچنان نسبت به بهره‌مندی از ظرفیت‌های فضای مجازی بی‌تکلیف هستند.

به هر حال ساعت ۱۷ و زمانی که اقتاب روز جمعه هفتم آذرماه غروب کرد، شبکه خبر، سه ساعت بعد از واقعه، اولین زیرنویس را به‌دون نام بردن از شهید محسن فخری‌زاده منتشر کرد. حال توقع این است که بعد از این همه تاخیر در انعکاس خبر، حداقل در تحلیل و موضع‌گیری رسانه‌ای شاهد یک راهبرد منسجم در تحلیل این اتفاق باشیم که در اینجا هم گویا رسانه ملی، گرفتار یک بلاتکلیفی در موضع است. شاید به خاطر همین است میهمان‌هایی که برای تحلیل رویداد دعوت کردند یا نمی‌توانستند تصویر دقیقی از ابعاد اتفاق ارائه کنند یا به کلی گویی و افاضات تکراری افتاده بودند و در برخی موارد اظهارنظرهای شخصی و دور از واقعیت مطرح می‌شد. یک بار دیگر حادثه تلخ جمعه هشتم آذرماه امور کبیر. قدری که به شهادت رسیده از دانشمندان و مدیران موثر در حوزه توانمندی هسته‌ای کشورمان است. حجم و ابعاد این حادثه به قدری است که به لحاظ امنیتی و سیاست بین‌الملل نمی‌توان از کنار آن گذشت و بخش‌های مهم خبری رسانه‌های جهان، فوراً به سراغ تحلیل این واقعه رفتند و ابعاد و جزئیات آن را پوشش دادند. طبیعی است که رویدادی با چنین ابعاد فراگیر سیاسی و بین‌المللی ظرفیت‌های فراوانی برای بروز خلاقیت و اجرای ایده‌های رسانه‌ای دارد. هر جای دیگر دنیا بود، رسانه‌ها به اجرای کنار ابعاد دراماتیک چنین حادثه دهشتناکی نمی‌اندیشیدند اما رسانه ملی در مواجهه با این حادثه چه کرد؟ کنترل تلویزیون را بردارید و شبکه‌هایی که سراغ این رویداد رفتند را بالا و پایین کنید. دریغ از یک بازسازی ساده تصویری از حجم چنین اتفاقی و دریغ از اینکه بتوانید از ابعاد و جزئیات این رویداد باخبر شوید. نهایتا میرگردی گذاشتند و چند نفر میهمان و کارشناس ثابت را دعوت کردند که این توانایی را دارند که در مورد همه چیز اظهارنظر کنند و در مورد این واقعه هم استاد اظهارنظر و حرف‌های تکراری هستند. اینگونه است که به همین راحتی قصه عصر جمعه هفتم آذرماه به پایان می‌رسد و احتمالا تا نزنگاه سیاسی دیگری، سایه تکرار چنین وضعیتی بر رسانه ملی سنگینی خواهد کرد.

چرا تلویزیون از روایت واقعه عصر جمعه عقب ماند

پخش HD، محتوا آنالوگ

گفت‌وگو با اکبر نصرالهی، استاد رسانه و ارتباطات

صداوسیما در دهه‌های گذشته حبس شده است

سیدمهدی موسوی‌تبار
روزنامه‌نگار

زمان، شکل و نوع پوشش خبر ترور شهید محسن فخری‌زاده توسط صداوسیمای جمهوری اسلامی و به‌طور خاص شبکه خبر، مورد انتقاد اهالی رسانه و منتقدان قرار گرفته است. تاخیر در انتشار خبر و همچنین عدم‌قطعیت و کوچک‌انگاری خبر در ساعت‌های اولیه باعث شد که بار دیگر مردم سراغ رسانه‌های دیگر بروند و رسالت خبری شبکه خبر مورد پرسش و تردید جدی قرار بگیرد. برای بررسی این موضوع سراغ اکبر نصرالهی از اساتید حوزه علوم ارتباطات رفتیم تا درباره محدود اختیارات صداوسیما و شگردهای کهنه رسانه‌ای این سازمان و همچنین موانع جدی در انتشار سریع و صحیح اخبار هم صحبت شویم.

///

بسیاری از کارشناسان رسانه هم از لحاظ سرعت و هم از لحاظ کیفیت به پوشش خبری ترور دکتر فخری‌زاده توسط تلویزیون نقد داشتند. دلایل عقب افتادن و عملکرد نامطلوب تلویزیون و شبکه خبر چیست؟ از نظر نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مشکل داریم یا کشورهای دیگر را مجاور هستند یا به سایت‌ها و پلتفرم‌های برنامه‌ریزی در میان است؟

مشکلی کلی که رسانه‌های ما از جمله شبکه خبر دارند در بحث پوشش اخبار امنیتی، اخبار شورش‌ها و اعتراضات است که این مشکل دراقع بیشتر خودرا نشان می‌دهد. اگرچه مشکل اصلی شبکه خبر در پوشش رویداد هم نیست به گفته‌شد به لحاظ شاخص سرعت بهتر شده است اما همچنان شبکه خبر و شبکه‌های دیگر صداوسیما به لحاظ سرعت، اخبار را با تاخیر منتشر می‌کنند. این مساله قبلا به دلیل اینکه فضای مجازی در کار نبود و مردم دسترسی به رسانه‌های رقیب و شبکه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های مبتنی بر موبایل نداشتند، مساله ایجاد نمی‌کرد اما از چند سال قبل یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و انتقادات که به رسانه‌های رسمی به‌ویژه صداوسیما می‌شود این است که در پوشش وقایع مهم عقب‌تر از رسانه‌های غیررسمی و خارجی هستند.

این به دلیل ابزارهای کهنه است یا ایده‌های قدیمی به روز نشده؟

خیر. این مشکل به صورت کلی وجود دارد اما درخصوص پوشش اخبار امنیتی و اعتراضات و شورش‌ها و اعتصابات و خبرهای خاص بیشتر این چالش و تاخیر در اطلاع‌رسانی خود را نشان می‌دهد. علت‌های مختلفی وجود دارد. به نظر من مشکل در سخت‌افزار نیست یعنی شبکه خبر و بخش‌های مختلف خبری صداوسیما به لحاظ تجهیزات چیزی کمتر از رسانه‌های رقیب ندارند بلکه در برخی از حوزه‌ها به شبکه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های مبتنی بر موبایل نداشتند، مساله ایجاد نمی‌کرد اما از چند سال قبل یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و انتقادات که به رسانه‌های رسمی به‌ویژه صداوسیما می‌شود این است که در پوشش وقایع مهم عقب‌تر از رسانه‌های غیررسمی و خارجی هستند.

این به خاطر فرد است یا شکل مدیریت؟

به نظر من به خاطر مدیریت است، اگرچه اینکه بخش‌های مختلف سازمان فشار بر آنها هم غیرطبیعی نیست. کنشگران مختلف سیاسی می‌خواهند از ابزار رسانه بیشتر استفاده کنند و این امر طبیعی است. اینکه رسانه تسلیم می‌شود به بهانه و دلایل مختلف امری دهد غیرطبیعی است.

شما ممکن است کنشگر سیاسی رسمی و غیررسمی باشید. مثلا دولت به بهانه‌های مختلف می‌خواهد صداوسیما بیشتر اخبار دولت را منتشر کند یا سیاست‌های غلطی را سرپوش بگذارد یا عملکرد نادرست دولت را عوام‌زدایی کند. این غیرطبیعی نیست و همه دولت‌ها و احزاب سیاسی همین طور هستند. اینکه صداوسیما و دو احزاب تسلیم می‌شود هرچند قابل‌توجیه نیست. با توجه به اینکه برخی مواقع دولت بودجه صداوسیما را گروگان می‌گیرد تا سازمان صداوسیما آنچه دولت می‌خواهد را عمل کند. حتی برخی مواقع آقایان به زبان می‌آورند. این به نظر من غیرطبیعی نیست و در همه دولت‌ها هست ولی این غیرطبیعی است که متصوب مقام معظم رهبری یعنی یک جایگاه بسیار مهم در رسانه‌ای که مربوط به نظام است و مهم‌ترین سرمایه نظام است و بچه‌های مذهبی و معتقدی که آنجا حضور دارند، خواهرکار نکنند، زود تسلیم شوند و اعتبار خود و نظام را زیرسوال ببرند. این نکته اصلی و کلیدی است. به‌ویژه در سال‌های اخیر موارد متعددی دیدیم که رسانه در موضوعات مختلف ازجمله موضوع امنیتی، سیاسی و... به سمت جناح یا گروه خاصی غش کرده است که هر گروه و جناح و نهادی باشد سازمان نباید اعتبار خود را به پای آنها هزینه کند. چراخود آنها هزینه نمی‌کنند؟ چرا سازمان باید هزینه کند؟ سازمان برای مردم و کل نظام است.

بحث دیگری که درباره صداوسیما وجود دارد این است که سال‌هاست شاهد ایده‌های نو و تازه در سازمان نیستیم. از همان فرمول‌های امتحان پس داده استفاده می‌شود. به رسانه‌های جهان دسترسی داریم و می‌بینیم شکل گفت‌وگوها تغییر کرده، شکل اطلاع‌رسانی از حالت سنتی خارج شده است اما همچنان در صداوسیما پایبند به روش‌های سنتی هستند. علی‌رغم تمام نوآوری‌هایی که در بخش سخت‌افزاری به آن اشاره کردید.

واقعیت این است که یکی از مهم‌ترین علت‌های عملکرد ضعیف و برخی مواقع نادرست و اعتبارزدا و فرصت‌سوز صداوسیما همین ماندن و حبس شدن در سال‌ها و دهه‌هایی است که گذشته است. یعنی هم چیز تغییر پیدا کرده، آرایش رسانه‌ای تغییر یافته، بازیگران متنوع و متکثر شدند، دسترسی مردم به خبر ساده و ارزان و بسیار گسترده شده است. اینها تغییراتی است که در محیط رسانه اتفاق افتاده است و امروز هرکسی اراده کند می‌تواند هر چیزی را دریافت کند و هر چیزی را انتشار دهد. سازمان صداوسیما این تغییرات پیرامونی و محیطی را خوب به اندازه کافی درک نکرده است. ابتدا باید گفت این مساله را دیر درک کرده است. آن مقداری که درک و شناخت و آگاهی دارد در اتفاق افتاده است. نکته دوم اینکه همان میزانی که درک کرده تاکافی است. به نظرم باید هم به موقع این درک صورت گیرد و می‌گرفت و هم اینکه کامل صورت می‌گرفت. در چنین شرایطی اگر قرار باشد صداوسیما همچنان براساس شیوه‌ها و رول و فرآیند قبلی تولید و انتشار اخبار را انجام دهد، مطمئن باشد که عرصه را واگذار می‌کند که کرده است.

به عبارت دیگر امروز در موضوعات مهمی همچون نزبن، نزور، اعتراضات و اعتصابات یا برخی از ماجراهای چالش برانگیز و در بحران‌ها مردم عادت کرده‌اند که اخبار را از صداوسیما نمی‌گیرند. این واقعیت است. مردم از رسانه‌های غیررسمی این اطلاعات را دریافت می‌کنند. به نظر من صداوسیما در فرم و شکل خیلی تغییرات ایجاد کرده است.

به لحاظ نرم‌افزاری هم تغییرات در کارهای گرافیکی و شکلی این تغییرات را می‌بینید اما به لحاظ سوژه و فاصله بین زمان تولید و اتفاق سوژه‌های مختلف و انتشار آن فاصله بین زمین تا آسمان است. امروز وقتی صحبت از تاخیر ۳ ساعته می‌کنیم یا حتی اگر تاخیر چند دقیقه‌ای باشد، این فاصله را کاملا مردم حس می‌کنند چون مردم اتفاقات مهم را بلافاصله دریافت می‌کنند و دوست دارند این اطلاع‌رسانی از رسانه خودشان باشد. اگر صداوسیما قبل از دیگران خبر را نزند بعد از این مردم به آن وابسته نخواهند بود. هر کسی که اولین روایت‌ها را بیان کند، بزنده است. در ماجرای مربوط به بنزین شاهد بودید هم رسانه در زمین دولت بازی کرد و متاسفانه این باعث شد دیگران روایت مربوط به اعتراضات آن ماه را هر طور که می‌خواهند بیان کنند و جالب است که یک سال بعد از این واقعه یعنی اخیرا BBC فارسی بخش مهم ۶۰ دقیقه خود را ۸۶ دقیقه می‌کند و درباره وقایع آبان ماه هرچه می‌خواهد بیان می‌کند، کل دنیا را در حوادث آبان ماه می‌بیند و صداوسیما هم هیچ مطلب و برنامه‌ای درباره حوادث آبان ماه ندارد و نمی‌گوید و انگار هیچ اتفاقی رخ نداده است.

این طور می‌شود که روایت هزار و ۵۰۰ کشته جا می‌افتد و خیلی از روایت‌ها که دشمن تلاش می‌کند آن روایت‌ها را جابیندازد. در مورد ترور، در مورد حمله داعش به مجلس و... همین طور است. رویای عوامل بیرون از سازمان و آنرا تها را در عملکرد سازمان می‌بینیم و انفعال پوشش خبری را مشاهده می‌کنیم و می‌توان بیان کرد با وجود تغییرات در آرایش رسانه‌ای دنیا، صداوسیما همچنان حبس در سال‌ها و دهه‌های گذشته است و رویکرد آن همچنان سنتی و رویدادی است. رویکردها را سه منظر می‌توان نگاه کرد. کمی، رویدادی و سنتی و راهبرد آن انفعالی و واکنشی است و در واقع امنیتی و مهم‌پرانگار یا سکوت یا با تاخیر کوچک‌نمایی می‌کند. این نوع رویکرد و راهبرد، خروجی صداوسیما را غیرمؤثر، اعتبارزدا و فرصت‌سوز می‌کند.

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

داود نعمتی انارکی، عضو هیات علمی دانشگاه صداوسیما در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

اصل واکنش سریع را جدی بگیریم

در عصری زیست می‌کنیم که رسانه‌ها در رقابتی نفس‌گیر برای انتشار سریع خبر هستند. طبیعی است که در چنین کارزاری، عمده تلاش مدیران رسانه‌ای بر این است که علاوه‌بر پوشش به‌هنگام یک رویداد، زوایای مختلف آن بررسی شده و دراختیار مخاطبان قرار بگیرد. در اهمیت انتشار سریع اخبار در عصر حاضر، به سراغ داود نعمتی انارکی از اعضای هیات‌علمی دانشگاه صداوسیما رفتیم. این استاد دانشگاه با اشاره به اینکه رسانه‌ها چگونه در پوشش خبری تلاش می‌کنند براساس اصل واکنش سریع در انتشار خبر اشاره کردید. با توجه به رصدی که اگر رسانه ملی نسبت به این اصل غفلت کند این مرجعیت را به رقبایش واگذار خواهد کرد.

///

همان‌طور که مستحضرید رسانه ملی نسبت به پوشش اخبار ترور شهید محسن فخری‌زاده، با انتقادات زیادی مواجه شده است. به نظرشما رسانه ملی در شیوه پوشش خبر این رویداد چگونه باید عمل می‌کرد؟

باتوجه‌به شرایط عرصه کنونی که تعدد رسانه‌ها را شاهد هستیم باید گفت که رسانه‌ها با عنصر قدرت رو‌به‌رو هستند و رسانه‌ها در فرآیند رقابت با رقیبانشان، عنصری که در گذشته اهمیت زیادی نداشت چون شما بودید، اما اکنون دیگران هم هستند، پس الگوها و راهبردهای قدیمی توانایی رقابت را به‌منزله مهم‌ترین عنصر در زیست و بقای سازمان رسانه‌ای نداریم. باید تاکید کنم که در محیط رسانه‌ای بازار رقابتی گسترده، پیچیده، مهارناپذیر و حتی تهدیدآمیز وجود دارد که رسانه‌های داخلی نباید از آن غفلت کنند. در این فضای رقابتی نسبت به پوشش خبری رویدادها باید به اصل واکنش سریع توجه نشان داد. ویژگی رسانه‌ها در عصر کنونی توجه به این اصل است که برای اطلاع‌یابی، اطلاع‌رسانی، تفسیر و توصیف رویدادهای مهم به واکنش سریع مبادرت ورزند. درخصوص اقدام تروریستی که در آبسرد دماوند رخ داد و شهادت یکی از دانشمندان هسته‌ای برخی دیگر را موجب شد، به‌نظر من شبکه خبر می‌بایست پس از اطمینان نسبت به صحت خبر، برنامه عادی خود را برای دقایقی قطع می‌کرد و این خبر را براساس اصل واکنش شبکه خبری داخلی نسبت به این رویداد حفظ می‌کرد. شاید در گذشته تاخیر در اعلام یک رویداد، کمترین هزینه را برای رسانه‌ها پدید آورد، اما اکنون چنین نیست و هزینه‌های بسیاری را زجمله تغییر مرجعیت خبری بر رسانه‌ها تحمیل می‌کند.

یکی از انتقاداتی که نسبت به شیوه پرداخت رسانه‌ای این رویداد مطرح می‌شود این است که رسانه ملی نتوانسته براساس یک راهبرد مدنمشخص و دقیق این رخداد امنیتی و سیاسی را پوشش دهد. جفدر این نقد را قبول دارید و به‌نظر شما یک رسانه در طراحی راهبرد چه ویژگی‌هایی را باید مدنظر قرار دهد تا مرجعیت رسانه‌ای خودش را از دست ندهد؟

به اعتقاد من نمی‌توان بااین قاطعیت چنین نتیجه‌ای گرفت، وقتی هم بوده که رسانه ملی در پوشش خبری اش به درستی و رویکرد حرفه‌ای عمل کرده است و این نشان می‌دهد که راهبرد وجود دارد، اما عواملی هست که در واکنش سریع رسانه در پوشش خبری رویدادهای با اهمیت تاثیر منفی می‌گذارد که به آن در سوال قبلی اشاره کردم. آنچه اهمیت دارد این است که به ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایی که در مجموعه رسانه وجود دارد اجازه داده شود تا برمبنای حرفه‌ای به پوشش خبری رویدادها بپردازند. در پاسخ به بخش دوم سوال نام اشاره کنم که رسانه برای اینکه بتواند مرجعیت خبری خود را حفظ کند باید براساس مدل دورازبنای آینه‌ای و حرفه‌ای عمل کند که در آن اخبار انعکاس دقیقی از واقعیت‌هاست که در روندی حرفه‌ای تهیه، پردازش و انتشار می‌یابند.

درصحبت‌هایتان به اهمیت اصل واکنش سریع در انتشار خبر اشاره کردید. با توجه به رصدی که رسانه ملی نسبت به پوشش خبری رسانه‌ها دارید، به‌نظرشما واکنش رسانه‌ای مناسبت به انتشار این خبر چقدر بهنگام بود؟

خیر. اگر رسانه‌های رقیب در پوشش خبری خود تلاش می‌کنند که براساس اصل واکنش سریع نسبت به پوشش خبری رویدادهای مهم عمل کنند و هدف هم این است که مرجعیت خبر را در پوشش رویدادهای مهم آن خود رسانه‌ها کاهش می‌دهد، پس اگر نسبت به این اصل غفلت کنیم این مرجعیت را به آنها واگذار کرده‌ایم. به هر حال در پوشش خبری رویدادها اگر عواملی وجود دارد که تاثیر منفی بر پوشش سریع می‌گذارند، آنها باید شناسایی و به حداقل کاهش داد.

وقوع چنین رویدادی با بعد فراگیر سیاسی و بین‌المللی، ظرفیت بسیاری برای بروز خلاقیت و اجرای ایده‌های رسانه‌ای دارد. به‌نظر شما در پرداخت رسانه‌ای این رویداد چه شیوه‌هایی را می‌توانستیم اجرا کنیم و نکردیم؟ به‌نظر شما سیما بدل‌ها در پوشش چنین رویدادهای تکراری و قدیمی نیست؟

نکته‌ای که اشاره کردید درست است، برخی از رویدادها ظرفیت رسانه‌ای بالایی برای پرداخت دارند؛ از تهیه اخبار متعدد تا گفت‌وگو و میزگرد، مصاحبه، گزارش‌های مستند و موارد دیگر که باعث می‌شود رویداد از زوایای متعدد به آن پرداخته شود و بازار اطلاعاتی مخاطب را تکمیل کند. درواقع مخاطب در ارتباط با رویدادها تلاش می‌کند که بازار اطلاعاتی خود را تکمیل کند و نیازهای رسانه‌ای را به‌قالب‌های متعدد خبری بازار اطلاعاتی مخاطبش را تکمیل کند. نکته دیگر اینکه همان طور که اشاره کردید، شیوه‌های سنتی پوشش خبرها یا سخگوی نیاز مخاطبان نیست و باید کنار گذاشته شود مثلا توجه به ظرفیت‌های روزنامه‌نگاری همگرا و یا بهره‌گیری از شیوه‌های نوین خبرنویسی به‌پرداخت رویداد از زوایای مختلف و... می‌تواند عاملی بر جذب بیشتر مخاطب به خبر رسانه باشد.

درخصوص پوشش خبری حادثه ترور شهید فخری‌زاده، کاری که شبکه‌های خارجی مانند BBC و ایران اینترنشنال و برخی رسانه‌های منطقه‌ای کردند این بود که برنامه‌های عادی خود را قطع کردند و برنامه ویژه پوشش خبری این رویداد را آغاز کردند تا بتوانند بر ذهنیت مخاطبان تاثیر بگذارند. درواقع اصل واکنش سریع را جرا کردند. من معتقدم رسانه‌ای که به این اصل توجه نشان دهد، باعث می‌شود که ذهنیت مخاطب را شکل دهد و اگر رسانه‌ای دیگر بخواهد ذهنیت شکل گرفته را تغییر دهد باید چنان قوی ظاهر شود تا بتواند در ذهن مخاطبی که ذهنیتش شکل گرفته، تجدید ساخت کند و این فرآیند به پیچیدگی دارد، پس اصل واکنش سریع را جدی بگیریم.

شعر

ما زنده به عشقیم

عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

این بار در غروب جمعه خبر رسید! خبری تلخ که باز هم عزادارمان کرد و برگشتیم به‌همان صبح جمعه ۱۳ دی‌ماه که عزادار سردارمان شدیم. این بار اما در خاک خودمان و در آغوش دماوند، دانشمندی را از ما گرفتند که تا به‌حال اسمش را نشنیده و عکسی از او ندیده بودیم. اما حالا در این ۲۴ ساعتی که از شهادتش گذشته، همه جا صحبت از اوست. کسی که عمرش را برای علم، دانش و پیشرفت گذاشت و اصلا برایش مهم نبود که اسمش را ببرند یا نبرند. فقط مهم پیشرفت ایران بود و سربلندی. حالا شهید محسن فخری‌زاده را دیگر کنارمان نداریم. کسی که مانند دوستان دیگرش که رسالت‌شان پیشرفت ایران بود، کار کرد و تلاش کرد و درنهایت به درجه رفیع شهادت رسید. در این میان شاعران که همیشه درصحنه حضور دارند و برایشان مهم است که این مظلومیت‌ها را فریاد بزنند، در این یک روزی که از شهادت شهید فخری‌زاده گذشته است، شعرهایی سروده‌اند که در ادامه می‌خوانیم؛ شعرهایی که از مظلومیت، اقتدار، ادامه راه شهید و... می‌گویند.

علی داوودی

چرا و چرا و چرا می‌کشند؟
به جرم صدا، بی‌صدا می‌کشند
بگو تا به کی تا به کی تا به کی
در این کربلا مصطفی می‌کشند؟
نمی‌میری ای نور ای زندگی!
اگر مرد دل‌ها تو را می‌کشند
کنون بذر خورشیدها، خون توست
چه با کی اگر شعله را می‌کشند
هوای نفس‌های مایی هنوز
اگرچه تو را می‌هوای کشند
چنین بوده آیین تاریکشان
که خفاش‌ها روشنی می‌کشند
شکستیم و آغاز رویدنیم
که ما را برای بقا می‌کشند
شهادت چه جای بد ما داده است
که ما زنده هستیم تا می‌کشند...

سیدبدیع‌الدین

یک عکس ساده است
اما نگاه کن همه جا منتشر شده است در روزنامه‌ها
نامت شبیه باغ گلی منفجر شده است...

حامد عسکری

شب به شب فوجی از این دهکده کم خواهد شد
ماه گرفی دل اگر از سنگ چوپان ببرد

مهدی چراغ‌زاده

پس مبادا که از این داغ کمر خم بکنیم
بر تن زخمی‌مان جام به‌سلامت بکنیم
هرچه کشتند ز ما، هرچه که تحریم شویم
ما محال است سرافکنده و تسلیم شویم
می‌رود سنگ سیه‌بال و سحر نزدیک است
سود، فجر بخوانید ظفر نزدیک است

حسن صنوبری

کشتند تو را آه، در آغوش دماوند
سخت است در آغوش پدر، کشتن فرزند
کشتند تو را ای مرد مستحکم ایران
تا باز بر این خاک ستم‌دیده بتازند
نوروح دماوندی و زن روست تو را کشت
ضحاک کمین کرد که در دماوند
نوازده فخری و یقین فخر فروشد
ایران به تو و عشق تو، بر نام تو سوگند
خیانت است که لبخند، پای دشمن را
به خاک طاهر این مرز پرگهر بکشد
در آشکار و نهان سامری قسم خورده‌ست
که دو موسی را خطی از خطر بکشد
همواره خواسته ما را به سحر حرف‌فرعون
میان معجزه‌ها گنگ و کور کر بکشد
به بازگشت نبندیش! در دل نیلیم
مبادا بیلکه دلت پای از سفر بکشد!
خدا بیاورد آن حال رو به‌سامان را
که مثل سروهمان کارمان به سر بکشد

نغمه مستشار نظامی

علم و ایمان می‌شکافد ذره‌ها را جاده‌ها را
خارچشم دشمنان گردیده فخری‌زاده‌ها را
مرگ در بستر مبادا قامت مردان که باشد
این وارذگی تا کی و این حوصله تا چند؟
برخیز و ببین دختران تو چو یاقوت
زین خون مقدس به گلویسته گلوبند
برخیز و ببین رزم کنان توصفاصف
خنجر به کمر بسته و بر سرزده سربند
من بغض یتیمانم و هم گرد دلیران
بگذار مرا بر سر ضحاک بکوبند!

محمدحسین انصاری‌نژاد

گفتند با حکم تقدیر، یک روز رستم بیفتد
در شامگاهی مقدر قدر مسلم بیفتد
دیگر به صبح دماوند سیمرغ ما پر نریزد
بر این سفرنامه از خون یک طرح مبهم بیفتد
یک دم مجسم نکردیم، روزی که در شاهنامه
ناگاه از دست رستم، با گریه مرهم بیفتد
بر سنگفرش دماوند، رد کدامین عقاب است؟
بگذار با آخرین چرخ، از ابر نم نم بیفتد
هرگز نمی‌خوابد این خون بر کوچه‌تان تا قیامت
گیرم گلیم شمایان، در آب زمزم بیفتد
بر یوسف ما شهادت، صبح نخست عزیزی ست
در چاه می‌بینم اما گرگ شما هم بیفتد
گفتند رسم شکفتن باید بکوچد از این شهر
از چشم‌ها شعر لبخند با دوست دارم بیفتد
گفتند اما نگفتند این فرجام گرگ‌ها باغبانند
هر روز نخل مسیحی، در باغ مریم بیفتد
گفتند اما نگفتند نامه‌مان است اینقدر خواب
از دیده‌ات کو برابد چشمی که برهم بیفتد
برخیز ای شیر شبگرد، چشمت به یک کوفه نامرد
یک باغی تیغ برکش، با این ملجم بیفتد
از این قبیله سواران، جز راست قامت نمیرند
حکم است هرگز بر این خاک، جز سرو محکم نیفتد

عباس احمدی

فیض بزم حق همیشه حاضر و آماده نیست
ره به این محفل ندارد هرکه مست باده نیست
«پله‌پله تا ملاقات خدا» سهل است... لیک
خواب می‌ماند هر آن کس شب، سر سجاده نیست
حاجت قاسم، شهریاری، احمدی روزن... بلی
جز شهادت مقصدی در آخر این جاده نیست
راندگاه رستم است اینجا به اهریمن بگو:
کشور من خالی از امثال «فخری‌زاده» نیست
از نگاه سر به زیرش می‌فرستد عکس و
می‌تواند فهمید! آقا است، آقازاده نیست
هر که خشنود است از تحریم و قبل ما بدان:
بی‌گمان هم دین ندارد او هم آزاده نیست
آخرین عوعوی صهیون است بارش کن
نترس
این سگ مردار را که حاجت قلاده نیست
میهنم از اسب افتاده ولی از اصل، نه!
میهنم زخمی است، اما از نفس افتاده نیست

یمان طرفه

چقدر باید از این عرصه مرد پر بکشد؟!
امیر قوم چرا جام زهر سر بکشد؟
خیانت است که لبخند، پای دشمن را
به خاک طاهر این مرز پرگهر بکشد
با قاتل تو از چه نشستیم به لبخند؟
با قاتل تو از چه نشستیم و نکشتیم
او را که دگر باره برون کرده سر از بند
ای داغ تو یادآور داغ همه خیبان
وی خون تو آمیخته با خون خداوند
آه ای گل گم‌نام! سرانجام شهادت
عطر تو در این دشت سیه‌پوش پراکند
مازنده به عشقیم، اگرچند حسودان
گویند چنینیم و چنانیم به‌تردند
بگذار ممیریم و ممیریم و ممیریم
بگذار بگویند و بگویند و بگویند
آنگاه ببین روز از این رسانه خونین
صد ساقه سرزنده و صد شاخ برومند
ایران من! امروز تو را صبر و را نیست
قسمت از جام شهادت باده دلدادها را
سیب سرخ عاشقی بر شاخه بی‌تاب است
و سنگین
دستچین کردهست دستی از ازل آمادها را
کم شنیدم نام او را و پیش از این هرچند
بی شک
می‌شناسد حضرتش گمنام‌ها، افتاده‌ها را
دست بر زخم دلم مگذار ای غم بیش از اینها
پهن کن ای صبر یک‌بار دگر سجاده‌ها را
شیرمرد! داغ سنگینی‌ست ما را از غم تو
دیده‌ور باد! نگاهت، سرور آزاده‌ها را

الهام نجمی

هزاران ابر در داغت پر از بغض‌اند و بارانند
هنوز از این خبر چش